

ادامه از صفحه اول



فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت یک حکومت را از بین می‌برد و در نظام جمهوری اسلامی فقدان عدالت و وجود فساد چالش بزرگتری را برایش به وجود می‌آورد؛ چرا که این انقلاب پشتوانه دینی و الهی دارد. «فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت مرسوم و مبنایی‌تر از مشروعیت‌های اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست.» در واقع، مشروعیت حکومت اسلامی به عدالت گره می‌خورد. در تفسیر بیانیه باید توجه داشت که این معنای مقبولیت است. بنابراین، اگر عدالت نباشد یا کم‌رنگ باشد، ستون‌های مشروعیت جمهوری اسلامی به لرزه در می‌آید. از این رو، می‌توان گفت که بنیادی‌ترین توصیه در گام دوم، عدالت و مبارزه با فساد است زیرا مشروعیت حکومت و نه تنها مقبولیت آن به این مهم گره خورده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ای می‌نویسد: «عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بحث‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است.» یعنی عدالت در آن هدف‌ها اول است. در ادامه بیان می‌کند: «این کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست». به عبارتی می‌توان گفت که عدالت در تفکر اسلامی حتی بر آزادی هم مقدم است و آنجایی که آزادی‌های فردی مثل آزادی‌های اقتصادی با عدالت منافات داشته باشد بر خلاف تفکر لیبرالیسم کلاسیک و نولیبرالیسم، عدالت مقدم است و این یکی از نکات اساسی است که مخاطبان اصلی این بیانیه مهم باید بدان توجه داشته باشند؛ یعنی، بنیادی‌ترین ارزشی که در گام دوم بیان توجه داده می‌شود بحث عدالت و مبارزه با فساد است. جالب آنجاست که در بیانیه چهارم تقاضای حکومت جمهوری اسلامی دانسته می‌شود و این نشان می‌دهد که اگر عدالت نباشد مشروعیتی وجود ندارد. رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کند که در جمهوری اسلامی دل‌های مستولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها تنبذ و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. توجه به این مهم ضروری است که اینها همان ارزش‌هایی است که مرحوم امام علیه‌الرحمه با عدالت می‌تواند در کنار خود داشته باشد. بیانیه‌های پیشین نیز بر این موضوع تأکید کرده‌اند و اینها نشان می‌دهند که عدالت و مبارزه با فساد برای تحقق عدالت و مبارزه با فساد امری حیاتی است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه چهارم تصریح می‌کند: «عدالت و مبارزه با فساد امری حیاتی است و مبارزه با فساد امری حیاتی است و مبارزه با فساد امری حیاتی است».

در این بیانیه به عدالت و مبارزه با فساد اشاره شده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ای می‌نویسد: «عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بحث‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است.» یعنی عدالت در آن هدف‌ها اول است. در ادامه بیان می‌کند: «این کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست». به عبارتی می‌توان گفت که عدالت در تفکر اسلامی حتی بر آزادی هم مقدم است و آنجایی که آزادی‌های فردی مثل آزادی‌های اقتصادی با عدالت منافات داشته باشد بر خلاف تفکر لیبرالیسم کلاسیک و نولیبرالیسم، عدالت مقدم است و این یکی از نکات اساسی است که مخاطبان اصلی این بیانیه مهم باید بدان توجه داشته باشند؛ یعنی، بنیادی‌ترین ارزشی که در گام دوم بیان توجه داده می‌شود بحث عدالت و مبارزه با فساد است. جالب آنجاست که در بیانیه چهارم تقاضای حکومت جمهوری اسلامی دانسته می‌شود و این نشان می‌دهد که اگر عدالت نباشد مشروعیتی وجود ندارد. رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کند که در جمهوری اسلامی دل‌های مستولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها تنبذ و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. توجه به این مهم ضروری است که اینها همان ارزش‌هایی است که مرحوم امام علیه‌الرحمه با عدالت می‌تواند در کنار خود داشته باشد. بیانیه‌های پیشین نیز بر این موضوع تأکید کرده‌اند و اینها نشان می‌دهند که عدالت و مبارزه با فساد امری حیاتی است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه چهارم تصریح می‌کند: «عدالت و مبارزه با فساد امری حیاتی است و مبارزه با فساد امری حیاتی است».



برای اجرای شایسته بیانیه گام دوم انقلاب چشم جوان‌هاست و اگر زمام‌داره بخش‌های گوناگون کشور و مومن و انقلابی و دانا و کاردار که بجمداً الله کم نیتند سپرده شود این امید برآورده خواهد شد.



نگاهی به بیانیه تاریخی رهبر انقلاب و نقش رئیس جمهور شهید در اجرای آن

رئیس جمهور ترانز گام دوم انقلاب

باشند. فقرا و متدینین بی‌ضاعت گردانندگان و برپا دارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مستولان نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که خواهد برای فقرا و مستمندان کار کنند و راه اسلام و انقلاب را ببیماید، فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. اکنون خلف صالح ایشان در بیانیه گام دوم بر همان‌ها تأکید



دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند که اگر به آنجا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یک‌شبه فریاد کنند که حاصل همه زحمات ملت را برباد دهند» یا «خدا نیاید آن روزی را که سیاست ما و سیاست مستولان کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و روی آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیای و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذالله که با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم‌السلام - سازگار نیست.» امام کتند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومین و پابره‌هاست. چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام کارشناسان اسلامی می‌خواست که برای جایگزین کردن نظام نامسح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام طرح‌ها و برنامه‌های سازمانده در برگیرند منافع محرومین و پابره‌نگان را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورده، امام علیه‌الرحمه می‌دانست کسانی که در آن روزها و بعدها دم از پابره‌نگان بزنند به چرسب‌هایی مانند چپی، مارکسیست و کمونیست متهم می‌شوند. مگر به تازگی یکی از علمای حوزه علمیه قم، شهید مطهری و شهید صدر را به ندانستن گرایش‌های چپ متهم نکرد؟ امام اینها را می‌دانست و از همان زمان به معنایی دفع دخل مقدر کرد: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می‌کنند مبارزه راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با القبا مبارزه بیگانه‌اند و آنها هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی و مقله‌های است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آنها را تا آخر خط با ما هستند که در فقر و محرومیت و استضعاف رنجیده



مستولان نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخاود برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

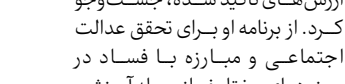
و این را در درجه اول یک وظیفه حکومتی و دولتی عنوان می‌کنند یعنی ساختارهای نظام شما باید به گونه‌ای باشد که بتوان آن را عادلانه ایمانی سخن گفته بودند که فقر و عادلانه است و چه شرایطی باید باشد تا ساختاری را عادلانه خوانند، این مبحث مجزایی است که در جای خود قابل بررسی است. در این بیانیه تأکید می‌شود که تبعیض در توزیع منابع عمومی باید از بین برود و همه باید از این امکانات بهره‌مند شوند. اما در فریب‌گران نیازمند حمایت، به هیچ وجه مورد قبول نیست. نکته قابل تأمل و دقت در اینجا این است که تحقق این عدالت را به صراحت



در این ایام که کشور درگیر انتخابات است، باید از نامزدی‌های محترم ریاست جمهوری، برنامه‌هایشان را بویژه در زمینه عدالت و مبارزه با فساد مطالبه کنیم

با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی - یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی - دست پیدا کنند.» اگر در حکومت اسلامی عدالت نباشد و فساد شایع شود، دین مردم به مرور دچار تزلزل می‌شود. آنها احساس می‌کنند که اینها فقط حرف است و واقعیتی پس پشت این حرف‌ها وجود ندارد. اگر ظلم، فساد و بی‌عدالتی در حکومت‌های مختلف ناپسند است در حکومت اسلامی ناپسندتر و خانمان برانداز است و در تضاد کامل با اهداف انقلاب است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «انسان، وقتی به متن جامعه می‌رود، می‌بیند که در خود تهران و شهرهای بزرگ، حالا چه پرسد به جاهای دور دست، انصافاً افراد ضعیف زیادند، کسبه ضعیف، دستفروشان، مشتغلان به مشاغل کم اهمیت و احیاناً کاب، خانواده‌های پرجمعیت و کم‌درآمد و محرومیت‌های بسیار بالا، واقعاً آنها در جامعه ما وجود دارد و همه آنها برخلاف مقاصد انقلاب است، اصلاً انقلاب برای این بود که اینها برداشته و برافکنده شود.» جالب اینجاست که در همین بیانیه، ذیل توصیه سوم، ایشان صراحتاً بیان می‌کنند که فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثری می‌گذارد یعنی نمی‌توان از یک جامعه معنوی، یک جامعه اخلاقی سخن گفت و وقتی که توده‌ای از افراد با فقر و تنگدستی روزگار سپری می‌کنند، ایشان تأکید می‌کنند که اقتصاد هدف نیست ولی ابزاری است که بدون آن نمی‌توان به هدف رسید. ایشان در توصیه سوم، یعنی اقتصاد، بر توزیع عدالت محور تأکید می‌کنند که این نشان‌دهنده اهمیت عدالت در بحث اقتصادی است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد عدالت محور است. همان‌طور که شهید صدر بیان می‌کند یکی از مهم‌ترین ارکان عدالت اجتماعی توازن و تعادل اجتماعی است؛ وجود فاصله‌ای عمیق بین طبقات و اساساً وجود طبقه درون جامعه اسلامی، با روح عدالت اسلامی منافات دارد. عدالت اسلامی فاصله طبقاتی را بر نمی‌تابد، قرار نیست جامعه اسلامی عدالت‌گرسنه بخواند و عده‌ای آنقدر متنعم باشند که ندانند در حیف و میل چگونه از هم سبقت بگیرند. اکنون با توجه به این مطالب، می‌توان برای یافتن رئیس جمهور ترانز گام دوم انقلاب، در وهله نخست، نسبت او را با عدالت و مبارزه با فساد و در مرحله بعد دیگر ارزش‌های تأکید شده، جست‌وجو کرد. از برنامه او برای تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، مسکن، بهداشت، خوراک و بویژه در این ایام که کشور درگیر انتخابات است، باید از نامزدی‌های محترم ریاست جمهوری، برنامه‌هایشان را بویژه در زمینه عدالت و مبارزه با فساد مطالبه کنیم

ایمان این است که اگر بخش‌های مختلف به دست جوان‌ها سپرده بشود، این عدالت محقق می‌شود. امید تحقق وجود دارد: «این سخن در قالب سیاست‌ها و قوانین بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن چشم امید به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردار که بجمداً الله کم نیتند سپرده شود این امید برآورده خواهد شد ان شاءالله.» یکبارگی این عبارات که با دقت تمام در این بیانیه نوشته شده است، تأکید ژرفی بر عدالت و مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی دارد. می‌توان ادعا کرد که در نگاه رهبر معظم انقلاب عدالت به گونه‌ای شرط لازم و نه کافی تحقق توصیه‌های دیگر است. می‌توان یکبارگی این توصیه‌ها را بر اساس عدالت مرور کرد و نشان داد که رسیدن به قله مطلوب در آنها وابسته به تحقق عدالت است. در این مجال اندک برخی را با هم مرور می‌کنیم.



درباره توصیه اول، یعنی علم پژوهش این ادعا قابل طرح است که آیا اگر عدالت اجتماعی و در این مورد به طور ویژه عدالت آموزشی فراهم نباشد، آن مطلوبی که در این توصیه بیان شده به سرانجام می‌رسد در توصیه اول بیان می‌شود: «درست است که پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌ایم، اما هنوز از قله‌های دانش جهانی خیلی عقب هستیم و به این قله‌ها باید دست پیدا کنیم. اگر نظام آموزشی در کشور ما به گونه‌ای باشد که فقط برای طبقه خاص امکان بالفعل کردن استعدادهایشان فراهم باشد، آیا کشور می‌تواند به قله‌های علمی زندگی می‌کنیم که مستعدین و نوابغ قابل توجهی دارد. آمارها بر صدق این ادعا گواه است. اگر علم به طبقات خاص اختصاص پیدا کند و به مرور تبدیل به یک کالای اشرافی شود، آیا می‌توان پیشرفت درخوری را شاهد بود؟ وقتی پیشرفت درخور و مناسب است که متناسب با امکانات باشد، یعنی بتوان از ظرفیت‌ها کمال استفاده را برد. اکنون اگر آموزش خوب تبدیل به کالا شود، چه میزان امکان پیشرفت وجود دارد؟ گذشته شاهد است خیلی از اوقات نفرت برتر تکنکور از بیغول‌ها و مناطق محروم آمده‌اند. برای توضیح نسبت معنویت و اخلاق با عدالت به جنبه‌های مختلفی می‌توان اشاره کرد. ایشان به صراحت بیان می‌کنند «هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید

